

مقدمه ۲:

سحر را کتاب های لغت چنین معنی کرده اند:

خلیل در کتاب العین می نویسد که سحر عبارت است از: «کل ما کان من الشیطان فیه معونه» و «الأخذة التي تأخذ العین»^۱

ابن درید در جمهرة اللغة می نویسد که معنای سحر معروف است.

صحاح را «أخذة»، (افسون) و «کل ما لطف مأخذه و دق» دانسته است.

الفروق فی اللغة در بیان فرق بین سحر و تمویه می نویسد که تمویه پوشاندن راستی و تصویر کردن خطا در

غیر صورت خود است و سحر اعم است برای حيله هایی که اعمال می شود و راهش مورد توجه نیست^۲

معجم مقاییس اللغة، سحر را دارای ۳ اصل می داند یکی ریه (بین حلقوم و مری) و دوم «اخراج الباطل فی

صورة الحق و يقال هو الخديعة» و سوم وقت سحر.^۳

المغرب هم «خديعة» را معنای سحر دانسته است [المغرب]

راغب در مفردات الفاظ قرآن، سحر را بر معانی مختلف بار می کند یکی خدعه و خیال پردازی هایی که

حقیقت ندارد مثل «سَحَرُوا أَعْيْنَ النَّاسِ»^۴ «يُخَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ»^۵.

دوم جلب کردن و مطالبه کردن کمک شیطان مثل «وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ»^۶

و سوم: آنچه «اغتام» به سراغ آن می روند (اغتام: کسانی که نمی توانند فصیح صحبت کنند). ایشان می

پندارند که می توانند صورت و ماهیت اشیاء را تغییر دهند و انسان را حمار کنند. و این حقیقتی ندارد^۷ (اغتام

۱. ج ۳، ص ۱۳۵.

۲. ج ۱، ص ۵۱۱.

۳. ج ۲، ص ۶۷۹.

۴. ص ۲۵۲.

۵. ج ۳، ص ۱۳۸.

۶. اعراف/۱۱۶.

۷. طه/۶۶.

۸. بقره/۱۰۲.

۹. ص ۴۰۱.

برخی مرتاضین معنی کرده اند)^۱

المحکم المحيط الاعظم، سحر را «الأخذة التي تأخذ العين حتى تظن ان الامر كما يرى و ليس كما ترى» معنا کرده است.

لسان العرب^۲؛ سحر را عملی که در آن به شیطان تقرب جسته می شود و با کمک او انجام می شود، معرفی می کند و «اخذة» را «سحر» بر می شمارد و در عین حال «الأخذة التي تأخذ العين حتى يظن ان الامر كما يرى و ليس الاصل على ما يرى» «از سحر» می داند و می نویسد: «كل ما لطف مأخذه و دقّ، فهو سحر والجمع السحار و سحور»

المصباح المنير «إخراج الباطل في صورة الحق و يقال هو الخديعة»^۳

القاموس المحيط هم همان تعریف را (كل ما لطف مأخذه و دقّ) مورد اشاره قرار داده است.^۴

مجمع البحرين سحر را «كلام یا رقيه» (افسون و تعویذ/یا: دمیدن افسون) یا عملی که در بدن انسان یا قلب او یا عقل او اثر می گذارد و گفته شده است حقیقتی ندارد و خیالی است.

المجازات النبويه هم سحر را «(تمويه) مشتبّه کردن، خدیعه و تلبیس و پوشاندن(تغطیه)» تعریف می کند.^۵

کشف اصطلاحات الفنون^۶ می نویسد: «علم سحر و هو علم يستفاد منه حصول ملكة نفسانية يقتدر بها على افعال غريبة بأشياء خفيه.»

تاج العروس هم می نویسد: «عمل يُقرب فيه إلى الشيطان و بمَعونة منه. و كُلُّ ما لُطِفَ مأخذه و دَقَّ»^۷

۱. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. ج ۳، ص ۱۸۲.

۳. ج ۴، ص ۳۴۸.

۴. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ج ۲، ص ۲۶۷.

۵. ج ۲، ص ۱۰۸.

۶. ج ۳، ص ۳۲۴.

۷. ص ۹۴ به نقل از تعليقه محاضرات في الفقه الجعفري، ج ۱، ص ۲۹۰.

۸. ج ۱، ص ۵۷.

۹. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۵۰۲.

